

بِسْمِ تَعَالَى

بازشناسی عارضه فساد مالی

(گونه ها و پیامد ها)

گرد آورنده: مجید غلامی

فهرست مطالب :

کلید واژه ۱

مقدمه ۳

متن اصلی ۴

نتیجه گیری و پیشنهاد: ۲۷

منابع و ماخذ: ۲۷

فساد مالی یک پدیده و یک عارضه سوء در هر سازمان و کشور می باشد که دارای وجوه ، علل و گونه ها و همچنین پیامدهای مختلف می باشد. ضمناً تعاریف مختلفی در این زمینه از سوی مراجع معتبر ارائه گردیده و دامنه بسیار گسترده ای را نیز مشتمل می شود. بازشناسی عارضه فساد مالی در حقیقت به بررسی تعاریف مختلف ، پیامدها ، گونه ها ، و بررسی راهکارهای مقابله با این پدیده شوم نظر داشته و از منظر تخصصی آنرا مورد مذاقه قرار می دهد.

کلید واژه ها: فساد مالی - رشوه - اختلاس - تنبیه و مجازات - نظارت

مقدمه :

فساد مالی یک پدیده پیچیده چند بعدی و دارای علل و آثار چندگانه است که در شرایط مختلف نقش و نمودهای متفاوتی پیدا می کند دامنه فساد مالی از یک عمل فردی پرداخت رشوه تا یک سوء عمل فراگیر که تمام ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرد، گسترده است.

دامنه تعریف فساد مالی از اصطلاح گسترده سوء استفاده از قدرت عمومب و فساد اخلاقی تا چارچوب محدود حقوقی آن به عنوان عمل رشوه خواری یک مامور دولتی در تغییر است از این رو بررسی فساد مالی چند بعدی بوده . از الگو سازی های عمومی نظری، تا تشریح رسوایی های فساد مالی را در بر می گیرد.

ماهیت پیچیده فساد، اکثر ناظران را متقاعد ساخته است که برای درمان این پدیده هیچ راه حل فوری و مشخصی وجود ندارد.

متن اصلی:

تعاریف و گونه های فساد مالی:

پژوهشگران فساد مالی را به عنوان یک رابط خاص حکومت - جامعه تعریف می کنند و بین فساد سیاسی، فساد اداری، فساد کارکردی و فساد نا کارکردی تفاوت قائل می شوند و فساد مالی را به عنوان یک ساز و کار نشت از بالا یا توزیع مجدد رو به پایین دسته بندی کرده اند.

تعریف فساد مالی:

بهترین و ساده ترین تعریف برای فساد مالی سوء استفاده از قدرت و اختیارهای دولتی به منظور تامین منافع شخصی است که بانک جهانی ارائه کرده است در مواردی از فعالیت های بخش خصوصی که دولت آنها را تنظیم می کند نیز فساد مالی وجود دارد. این پدیده را می توان به ویژه در شرکت های بزرگ خصوصی به وضوح دید در بسیاری از موارد متخلفات تنها بای تامین منافع شخصی از قدرت و اختیارهای دولتی سوء استفاده نمی کنند بلکه هدف آنها تامین منافع حزبی طبقه اجتماعی، طایفه های، قبیله ای و خانوادگی و... است. فساد مالی را نباید فقط نتیجه پرداخت رشوه به حساب آورد. برای مثال: یک کارمند دولت که وانمود می کند بیمار است ولی به تعطیلات می رود یا رئیس جمهوری کشوری که فرودگاهی را در زادگاهی کوچک خود می سازد به نوعی مرتکب فساد مالی شده است هرچند که در این موارد رشوه های رد و بدل نشده باشد.

تعاریف کارکردی:

فساد مالی سوء استفاده مقام های دولتی از منافع عمومی برای منافع خصوصی است تعریف کارکردی فساد مالی که توسط بانک جهانی، سازمان بین المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارائه شده عبارت است از سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی.

گونه های فساد مالی:

در برخی پژوهش های اخیر، بعضی از شکل ها نمود های مهم فساد مالی براساس چند ویژگی اصلی مشخص شده است.

رشوه:

عبارت از وجهی (نقدی یا جنسی) است که در یک رابطه آلوده و فاسد داده یا گرفته می شود نفس دادن یا گرفتن تخلف است باید آن را جوهر فساد مالی دانست.

اختلاس:

برداشت از منابع به وسیله افرادی است که مدیریت این منابع به آنها سپرده شده است. اختلاس هنگامی اتفاق می افتد که کارکنان ناسالم اموال کار فرمایان خود یا مقام های دولتی و منابع عمومی را حیف و میل یا از آن سوء استفاده می کنند.

سوء استفاده از موقعیت:

فرایندی است که در آن بعضی صاحب منصبان به طور سازمان یافته از سمت سیاسی خود برای تعمیم، تضمین و گسترش منافع شخصی استفاده می کنند.

مبنای تجربی پژوهش های اخیر درباره فساد مالی:

اغلب ما به معاملات پیچیده ای سرو کار داریم که در سطوح بالای سازمانی اتفاق می افتد و پژوهشگران مستقل، معمولاً، به آنها دسترسی ندارند یا شبکه های اجتماعی ناسبی برای انتخاب، گردآوری و بررسی داده ها وجود ندارد. اغلب اطلاعات به صورت غیر مستقیم تا همین اواخر سازمان نیافته بوده است. با توجه به این وضعیت، یکی از مشکلات در پژوهش های مربوط به فساد مالی، نبود یک مبنای تجربی عینی و منسجم است.

تلاش های اخیر برای اندازه گیری مستقیم فساد مالی :

متأسفانه روش استانداردی برای محاسبه و برآورد سطح فساد مالی وجود ندارد. در آینده نزدیک، پژوهشهای تجربی جدید پیرامون فساد مالی بر پرسشنامه های تشریحی تکیه بیشتری خواهد کرد با تک جهانی چنین پرسشنامه هایی را تدوین کرده است و اخیراً؛ بانک اروپایی ترمیم و توسعه نیز وارد این فعالیت ها شده است.

روش پژوهشی تجربی :

از دیدگاه پژوهشی، مزیت این کار آن است که علنی بودن نحوه جواب گویی ممکن است مصاحبه شوندگان را به پاسخگویی علاقمند تر کند و باعث شود که در افشا کردن محلی واهمه کمتری داشته باشند. بعلاوه توجه و علاقه عمومی به موضوع ممکن است تغییراتی در سیاست گذاری های عمومی به وجود آورد و فرایند کوشش های مبارزه با فساد را تقویت کند.

با این حال آورد و فرایند کوشش های مبارزه با فساد را تقویت کند.

با این حال روش مورد بحث تاکنون توانسته است داده هایی در مورد شکل ها و نمونه های فساد مالی که دارای عینت عمومی بیشتری است و پلیس است و پلیس ، دستگاه قضایی ، مدارس، مراکز بهداشتی و درمانی و در بعضی موارد موسسه های راه سازی داخلی با آنها سرو کار دارد . ارائه دهد . این روش چنانچه به همان صورت اصلی ترکیبی مورد استفاده قرار گیرد دارای چند پتانسیل در آشکار کردن گونه های پیچیده تر فساد مالی است و نیز مسائل درون سازمانی را هم در معرض افکار و بحث های عمومی قرار می دهد.

مزیت و جاذبه عمده این روش برای پژوهشگران و صاحبان پروژه های تحقیقی، این است که می توان بوسیله آن با یک تیر دو نشانه زد : هم در مورد فساد مالی تحقیقی کرد و در همان حال با آن مبارزه نمود.

رویکرد سیاسی به فساد مالی:

در سال های اخیر توجه اقتصادی فساد مالی بیشتر مورد اشاره بوده و برای تدوین سیاست ها اهمیت فراوان یافته است . با این حال فساد مالی توجه دیگر بخش های علوم اجتماعی به ویژه علوم سیاسی را به خود جلب کرده است و اخیراً؛ جامعه شناسان و انسان شناسان نیز به طور جدی معتقد شده اند که برای شناخت فساد مالی ، عوامل سیاسی را نباید نادیده گرفت.

در علوم سیاسی کلاسیک ، علت فساد مالی ضعف نظام سیاسی به ویژه نبود مردم سالاری تصور می شد در گذشته اعتقاد بر این بود که فساد مالی زائیده نظام های سیاسی است که الگوهای تقسیم قدرت معیارها و موازنه ها، نهادها پاسخگو و همچنین روش های رسمی و ایده آل حکومت مردم سالاری را ندارد.

تأثیر فساد مالی بر سیاست :

علاوه بر اینکه فساد مالی تأثیر فراوانی بر بخش های فقیر جامعه دارد در نهایت هزینه اخاذی ها را نیز بر آنها تحمیل می کند که در اثر آن بیش از پیش دچار محرومیت می شوند.

فساد مالی قدرت حکومت را در اخذ مالیاتها، اجرای هماهنگ و سازمان یافته امور و سیاست های معقول توسعه و توزیع مجدد منابع بین گروهها و مناطق مختلف را به شدت تضعیف و در نتیجه توانایی تغییر وضعیت جامعه و اقتصاد بر اساس اولویت های سیاسی را از حکومت می گیرد.

در بسیاری موارد طرح بحث های دامنه دار اما بدون پشتوانه عملیاتی درباره فساد مالی باعث تغییر تلقی مردم از کل نظام سیاسی شده است و در نتیجه این تصور برای جامعه

پیش می آید که کل نظام سیاسی ناسالم ، ناپاک و نامشروع است که یک حالت عقب نشینی و بی تفاوتی سیاسی را در جامعه به وجود می آورد.

فساد مالی و متمرکز زدایی:

بعضی از پژوهشگران ادعا کرده اند که قدرت متمرکز یک عامل فراینده فساد مالی است . (پرودن) معتقد است که حکومت متمرکز به جای خدمت به شهروندان و جامعه، آنها را سرکوب و استثمار می کند . فساد اختلاس و آشفتهگی به طور سریع وارد نظام می شود فساد مالی خود کامگی و استبداد را درهم می کوبد.

روش ها و نگرش های انسانی شناختی:

اطلاعات ارزشمند در مورد اعمال فساد را همچنین می توان از طریق مصاحبه ها به دست آورد که می تواند رموز عمومی و محلی و خلق و خوی مربوط به فساد مالی را نمودار سازد . بحث گروهی نیز در برخی شرایط ثمر بخش است. مطالعات موردی نیز می تواند ثمر بخش باشد.

فساد مالی و درجه توسعه یافتگی:

سوء استفاده از مقام دولتی در کشور هایی که از نظر اقتصادی پیشرفته تر است احتمالاً؛ بیشتر افشاء می شود . زیرا توسعه اقتصادی ، گسترده آموزش و روابط قانون را افزایش می دهد . این قاعده مستلزم آن است که روابط شخصی ، نقش در تصمیم گیری های اقتصادی نداشته باشد.

فساد مالی و سطح حقوق و دستمزد در بخش دولتی:

(ریجگهم) و (ودر) بررسی کرده اند که سطح حقوق در بخش دولتی تا چه حد با میزان فساد مالی ارتباط دارد . بحث اصلی آنها این است که پایین بودن حقوق و دستمزد، مقام های دولتی را مجبور می کند که در آمد خود را با گرفتن رشوه کامل کنند.

فساد مالی و مقررات بخش دولتی:

بعضی از پژوهشگران معتقدند که مقررات دست و پاگیر بخش دواتی نتیجه یک راهبرد عمدی توسط دیوان سالاران برای افزایش تمایل مراجعه کنندگان به پرداخت رشوه شده است .

فساد مالی و تجارت بین الملل:

(وایی) به این نتیجه رسیده است که آزادی طبیعی به کاهش طرح فساد مالی و فراهم شدن امکان واردات بیشتر منجر می شود. علاوه بر این در پژوهش مزبور، تاثیر فساد مالی بر تجارت بین الملل به شکل تعجب آوری پایین است. (وایی) مدعی است که فساد مالی یک تغییر مداخله گرا است که خود به خود موانعی در راه تجارت بوجود می آورد. بنا براین فساد مالی هم ناشی از پایین بودن میزان آزادی تجارت و هم به رجحان و برتری تجاری است.

فساد مالی و اندازه اقتصاد زیر زمینی:

مشخص شده است که هر فعالیتی اقتصادی غیر قانونی منظم، نیازمند امور ادار یو اجرایی و حمایت سیاسی است که فقط می تواند به صورت غیر قانونی و اغلب از طریق روابط آلوده به فساد تامین شود. بنابراین ممکن است ادعا شود که فعالیتهای اقتصادی زیرزمینی به فساد مالی می انجامد این امر یکی از روش های فرار از هزینه های مربوط به ثبت قانون شرکت ها و تخلف و ضوابط اداری است .

راهبرد های مبارزه با فساد مالی:

موفق نبودن مبارزات فساد مالی تا حدودی از آگاهی محدود نسبت به علل، آثار و روش های مبارزه با فساد مالی و ریشه دار بودن این معضل در گذشته طولانی برخی کشور ها ناشی می شود. اکنون شواهد تجربی بسیاری نشان می دهد که فرایند توسعه اقتصادی

موفق ، فساد مالی را تا حد قابل توجه ملاحظه ای در دراز مدت کاهش می دهد ولی در کوتاه مدت تاثیر چندانی بر آن ندارد اما ساز و کار این سیاست هنوز مشخص نشده است. سازماندهی بخش های عمومی و خصوصی و گسترش تحصیلات و آموزش که پنهان موارد تخلف را تقریباً غیر ممکن می سازد ، یکی از روش های مبارزه با این پدیده است لذا سیاست هایی که رشد را تقویت می کند ، چنانچه به صورت موفقیت آمیز اجرا شود ، احتمالاً؛ فساد مالی را در دراز مدت کاهش می دهد. (پالدام) نشان داده است که دوره پیچیده گذر از یک کشور سنتی فقیر به یک کشور آزاد مردم سالار و ثروتمند ، کاهش چشمگیر فساد مالی نیز همراه است.

راهبردهای بانک جهانی :

چهار بعد از سیاست گذارهای بانک جهانی به این شرح است:

الف) پیشگیری از تقلب و فساد مالی در طرح هایی که توسط بانک جهانی تامین مالی شده است.

ب) دامن زدن به نگرانی نسبت به فساد مالی در درون سازمان

پ) حمایت از تلاشهای بین المللی در مبارزه با فساد مالی

ت) کمک به کشور هایی که در مبارزه با فساد مالی خواستار کمک بانک جهانی هستند.

همچنین بانک جهانی در تدوین شاخص سیاستگذاری توصیه می کند که یک راهبرد موثر ضد فساد مالی باید:

۱) رانت را بوسیله آزاد سازی اقتصادی ، کاهش مقررات، ساده سازی قوانین مالیاتی ، انحصار زدایی و تثبیت اقتصاد کلان ، از بین ببرد.

۲) اختیارات خود سرانه را از طریق اصلاح بخش اجرایی و اداری از جمله شایسته گزینی و تمرکززدایی کاهش دهد .

۳) قابلیت پاسخگویی و مسولیت پذیری را با تاسیس نهاد هایی مانند واحد های حسابرسی و حسابداری از طریق اصلاحات قانونی نظیر تقویت قضایی و با تشویق نظارت عمومی از طریق مجلس و جامعه مدنی هوشیار تر افزایش دهد.

بانک جهانی سازمانی است که گسترده ترین و مشروح ترین مجموعه سیاستگذاری ها را به منظور کاهش فساد مالی تهیه و تدوین کرده است از نظر ایت بانک فساد مالی یک پدیده ناشی از ضعف های ریشه دار اقتصادی ، سیاسی و نهادی است و در نتیجه برای کنترل آن ضروری اسن که ابتدا بر علل و فلسفه آن تاکید شود از این رو تاکید اصلی بر اقدام های پیشگیرانه ای است که در کاهش فرصتهای بده بستان ها و روابط فساد کمک می کند اصلاحات اقتصادی ، سیاسی و نهادی مانند اصلاح طرح های انگیزشی در سازمانهای عمومی اقدام های مناسبی در این زمینه است.

وضع مالیت و عواض گمرکی :

در صورتی که قوانین مالیاتی واضح و شفاف باشد و ارتباط بین مالیات دهندگان و ماموران مالیاتی ضرورتی نداشته باشد بعید است که مالیات فساد مالی منجر شود اما هنگامی که:

- ۱- قوانین مالیاتی مبهم باشد و بتوان آنها را به صورت های مختلفی تفسیر کرد؛
 - ۲- پرداخت مالیات ها مبهم باشد و بتوان آنها را به صورت های مختلفی تفسیر کرد؛
 - ۳- حقوق و مزایای مدیران مالیاتی اندک باشد؛
 - ۴- از تخلفات و مفاسد و مسئولان مالیاتی چشم پوشی شود،
 - ۵- روش های اداری و اجرایی شفافیت لازم ردا نداشته؛
 - ۶- مدیران مالیاتی در تصمیم گیری اساسی قدرت و اختیارات زیادی داشته باشند؛
- و بالاخره هر گاه نظارت مدیران دولتی و بر ماموران مالیاتی ضعیف باشد. فساد مالی در اداره های مالیات و گمرک به معضل بزرگی تبدیل می شود.

تصمیم‌گیری‌های مربوط به مخارج:

طرح‌های سرمایه‌گذاری، مفاسد و تخلف‌های بسیار زیادی به همراه داشته است. با توجه به اختیاران بعضی از مسئولان بلند پایه درباره طرح‌های سرمایه‌گذاری دولتی، سوء استفاده از مخارج مربوط به این طرح‌ها به سادگی امکان پذیر است. گاهی پروژه‌های دولتی شرایط فراهم می‌کند که افراد یا گروه‌های سیاسی می‌توانند از مجریان طرح رضوه دریافت کنند. این مساله بهره‌وری مخارج را کاهش می‌دهد و منجر به ایجاد پروژه‌هایی می‌شود که با معیارهای مورد نظر برای انتخاب سرمایه‌گذاری مانند تحلیل هزینه - فایده، مطابقت ندارد.

سایر تصمیم‌گیری‌ها:

در بسیاری از کشورهای جهان، بعضی از مسئولان دولتی نفوذ زیادی در تصمیم‌گیری‌های مهم دارند. در چنین مواردی احتمال بروز فساد مالی به ویژه فساد مالی دولتمردان یا سطح بالا در سطح وسیعی وجود دارد. مهم‌ترین حوزه‌های فساد مالی عبارت است از:

۱- اعطای تشویق‌های مالیاتی به ازای مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر تجارت خارجی که با توجه به ارزش فعلی میزان کاهش تعهدات آتی برای افراد ذینفع سود کلانی به همراه دارد.

۲- تصمیم‌گیری درباره کاربری زمین‌های خصوصی، زیرا چنانچه زمینی به احداث ساختمانهای مرتفع اختصاص یابد، ارزش آن به شدت بالا می‌رود.

۳- تصمیم‌گیری در مورد استفاده از مراتع و جنگ‌های دولتی مانند استفاده از زمینی به منظور تهیه و تامین چوپ و واگذاری امتیاز برداشت از آن. موارد زیادی از فساد مالی در زمینه صدور مجوز برای قطع درختان جنگ‌های عمومی یا بهره‌برداری از منابع معدنی موجود در زمین‌های دولتی در کشورهای مختلف گزارش شده است.

۴- تصمیم گیری درباره صدور مجوز برای سرمایه گذاران قدرت انحصاری فراهم می کند.

۵- تصمیم گیری در مورد فروش دارایی های بخش دولتی .

۶- تصمیم گیری درباره خصوص سازی شرکتهای دولتی و شرایط آن

۷- تصمیم گیری منجر به ایجاد انحصار در زمینه فعالیت های صادراتی و وارداتی

۸- سطح دستمزدها در بخش دولتی

سطح دستمزدها در بخش دولتی :

سأله است که محققان دریافته اند که میزان حقوق و مزایای کارکنان دولت در حجم فساد مالی مهم است. افزایش سطح دستمزدها، کاهش فساد مالی را به دنبال دارد.

سیستم تنبیه و مجازات:

واقعیت این است که با وجود گسترش دامنه فساد مالی ، کمتر کسی را به دلیل ارتکاب این جرائم مجازات می کنند به غیر از چند کشور ، به نظر می رسد که فاصله زیادی بین مجازاتهای تعیین شده رد قوانین و مجازات می کنند به غیر از چند کشور ، به نظر می رسد که فاصله زیادی بین مجازات های تعیین شده در قوانین و مجازات هایی که اعمالی می شود وجود دارد به طور کلی مجازات ها نسبت به قانون ، ملایم تر و سبک تر و معمول؛ روش های اجرایی محاکمه و مجازات کارکنان متخلف دولت، کند و دست و پاگیر است. موانع حقوقی ، سیاسی واداری نیز از اجرای کامل و سریع قوانی کیفری و جلوگیری می کند و از موانع اصلی دیگر می توان به طولانی شدن مراحل دادرسی و عدم دسترسی به مدارک کافی و مستدل اشاره کرد.

نظارت‌های سازمانی:

وجود این نظارت ، نشانگر توجه زیاد مسئولان به این مشکل است. به طور کلی موثرترین و کاراترین نظارت آن است که در درون سازمان ها و نهاد ها وجود دارد مدیران درستکار ، با لیاقت و کارآمد ، مراکز حسابرسی دقیق شفاف مبتنی بر اصول اخلاقی همه می توانند از بروز تخلفات و مفاسد جلوگیری کند با بکارگیری روش های درست و شفاف ، مسئولان و مراکز مزبور در اداره امور موفق خواهند بود . مدیران و ناظران باید بتوانند بر فعالیتهای کارکنان خود نظارت داشت باشند

رفتار رهبران و مسئولان جامعه:

آخرین عامل تاثیرگذار بر نظام اداری، رفتار رهبران جامعه به عنوان الگو است در صورتی که رهبران سیاسی الگویی مناسبی نباشند و خود مرتکب اعمال خلاف شوند یا از تخلفات خویشاوندان ، دوستان و هواداران سیاسی خود چشم پوشی کنند، نمی توان از کارکنان دولت انتظار عملکرد درستی داشت.

پیامدهای فساد مالی:

در اینجا به صورت خلاصه بعضی از بحث ها و استدلال هایی که فساد مالی را عامل افزایش کارایی و رشد اقتصادی می داند ، اشاره می شود. گروهی از محققان بر این عقیده اند که فساد مالی موجب ارتقاء می شود، زیرا برخی از موانع زاید و تحمیلی دولت را که در روند سرمایه گذاری اختلال ایجاد می کند و با تصمیم گیری های مفید برای رشد اقتصادی تعارض دارد. از سر راه بر می دارد . لذا فساد مالی روند اجرای امور را تسریع می کند.

بحث های نظری موافق فساد مالی را می توان به صورت زیر پاسخ گفت :

پرداخت رشوه مشوق و محرک خوبی برای کارکنان دولت است تا سرعت عادی انجام امور را افزایش دهند . شاید رشوه زمان لازم را برای انجام امور کارهش دهد ، اما نظم کاری مسئولان دولتی را تغییر می دهد . فساد و رانت جویی به عنوان عامل وحدت سیاسی یا مکمل حقوقی و دستمزدها، ممکن است در کوتاه مدت مفید و موثر باشد ولی باید توجه داشت که در دراز مدت مشکلات عمده ای ایجاد خواهد کرد.

آثار کیفی:

- فساد مالی روند کار بازارها و تخصیص منابع را مختل می کند ، زیرا:
- ۱- توان دولت را برای وضع مقررات کنترالی و نظارت مودر نیاز برای اصلاح نقایص بازار کاهش می دهد.
 - ۲- فساد موجب از بین رفتن انگیزه می شود.
 - ۳- فساد به صورت مالیات اختیاری- با هزینه های رفاهی زیاد - عمل می کند.
 - ۴- فساد موجب کاهش یا اختلال نقش دولت مانند اجرای قرار دادها ، حمایت از حقوق مالکیت و ... می شود.
 - ۵- فساد، قانونمندی اقتصاد بازار و در برخی موارد حقانیت مردم سالاری را زیر سؤال می برد.
 - ۶- فساد، موجب افزایش فقر و بدبختی می شود و سطح درآمد فقرا را کاهش می دهد.
- بنا بر آنچه گفته شد فساد مالی رشد اتقادی را کاهش می دهد.

آثار کمی:

- ۱- فساد مالی سرمایه گذاری و در نتیجه میزان رشد اقتصادی را کاهش می دهد.
- ۲- فساد مالی موجب کاهش مخارج آموزش و بهداشت می شود.
- ۳- فساد مالی موجب افزایش سرمایه گذاری دولتی می شود، چون طرح های سرمایه گذاری از طرف مسئولان و مدیران عالی رتبه قابل دستکاری است و فرصت دریافت رشوه را برای آنها فراهم می کند.
- ۴- فساد مالی آثار سیاست های صنعتی بر روند سرمایه گذاری را مختل می کند.
- ۵- فساد مالی بهره وری سرمایه گذاری دولتی ساختارهای زیربنایی کشور را کاهش می دهد.
- ۶- فساد مالی موجب کاهش در آمد های دولت می شود زیرا به اداره های مالیات و گمرک اثر مستقیم دارد.

نقش دولت در مبارزه با فساد مالی:

مبارزه با فساد مالی نبردی است که ممکن است سالها طول بکشد. بزرگترین خطا در مبارزه با فساد مالی استفاده از راهکارهایی است که تنها یک جنبه از مسایلی مانند افزایش حقوق کارکنان دولت، افزایش مجازات ها، تاسیس مراکز مبارزه با فساد و مانند اینها را در نظر می گیرد و در عین حال توقع این باشد که مسایل و مشکلات خیلی سریع برطرف شود.

به طور کلی عقیده بر این است که سطح دستمزد های نسبی کارکنان دولت متغیر مهمی در تعیین میزان فساد مالی است. (تشدید مجازات متخلفان از میزان فساد مالی می کاهد) (در بسیاری موارد وجود برخی مقررات باعث ایجاد فساد مالی می شود) (مشوق های مالیاتی به ویژه در مواردی که موجب افزایش اختیارات کارکنان دولت می شود، شرایط مساعدی برای بروز فساد مالی فراهم می کند) (در مواردی که اختیارات کارکنان دولت می شود، شرایط مساعدی برای بروز فساد مالی فراهم می کند) (در مواردی که دولت

مسئول تامین کالا و خدمات به نرخ کمتر از بازار است ، زمینه بر ای بروز فساد مالی فراهم می شود.)

ماهیت فساد مالی در تامین مالی بخش دولتی:

فساد مالی به شیوه های غیر مستقیم زیادی بر کارایی و در نتیجه رشد اقتصادی تاثیر می گذارد .

سرمایه گذاری دولتی غیر مولد جایگزین سرمایه گذاری مولد می شود مقام های نالایق به سمت های حساس ارتقاء می یابند و تصمیم های آنها به فعالیتهای اقتصادی لطمه می زند ارتقاء در دستگاههای اداری بر اساس شایستگی نخواهد بود و در نتیجه کارکنان شایسته دچار دلسردی می شوند . طرح های دولتی به کندی به پایان می رسد و در برخی کشور ها، طرح های زیربنایی مانند جاده ها با چنان سهل انگاری تکمیل می شود که پس از چند سال غیر قابل استفاده است گزارش های رسیده از بعضی کشور ها حاکی است که هزینه تعمیر و نگهداری به طور عمده کاهش یافته تا زیر ساختها با سرعت بیشتری مستهلک شود و سرمایه گذاری های کلان جدیدی مورد نیاز باشد.

شرکتهای تحت پوشش وزارتخانه ها:

شرکتهای مذکور از موارد جالب توجه برای بررسی تبانی فساد اداری و سیاسی است. به رغم آنکه برخی از این شرکتها توانسته اند منابع نقدی عظیمی انباشته کنند، همچنان سالانه مبالغی از بودجه دولتی دریافت می کنند. اگر چه ارائه دلایل مستند و اثبات چگونگی انحراف وجوه دولتی به سوی استفاده های شخصی در این شرکت ها مشکل است، اما کاملاً محرز است که ثروت عظیم مدیران این شرکتها حاصل تلاش آنها نیست. شرکتهای تحت پوشش ، نمونه مناسبی از آشفتگی بین منابع خصوصی و عمومی است.

شیوه های کاهش فساد در مخارج بخش دولتی:

مقامهای دولتی به سه دلیل مرتکب فساد مالی می شوند:

- ۱- نبود چارچوب قانونی مناسب و قوانین و مقررات مربوط به آن ، باعث ایجاد مصونیت از مجازات می شود.
- ۲- سوء استفاده آشکار از اختیارات.
- ۳- تبانی مقام های فاسد به منظور دور زدن مقررات کنترلی موجود در سیستم.

شیوه های کاهش فساد مالی با توجه به سه علت یاد شده:

۱- چارچوب قانونی مناسب :

یک چارچوب قانونی برای مدیریت مخارج بخش عمومی باید اصول حقوقی را با ملاحظات اقتصادی و مقررات اقتصادی و مقررات مدیریتی ترکیب کند. چنین چارچوبی قانونی باید ضامن استفاده از منابع عمومی در حیطة مشخص شده از طرف قوه مقننه ، مطابق با جدول تخصیص منابع در سند بودجه باشد.

۲- چاره اندیشی برای استفاده از اختیارها.

۳- مدیریت متمرکز و غیر متمرکز مخارج بخش عمومی.

مهم ترین مواردی که مشخص می کند چه کسانی از فساد مالی بهره مند می شوند و همچنین هزینه های سیاسی، قضایی و اداری آن بر عهده کیست، به شرح زیر است:

• رشوه انگیز ایجاد می کند:

کارمندان بخش دولتی به دلیل حقوق اندک و نظارت ناکارآمد دولتی ممکن است که انگیزه کافی برای انجام وظیفه نداشته باشند. و در کار خود اهمال یا کارشکنی کنند.

- رشوه هزینه فعالیتهای اقتصادی را کاهش می دهد:
- افرادى كه فعاليت قانونى دارند، تلاش مى کنند تا هزینه های دولتی مانند مالیات، حقوق و عوارض گمرگی را کاهش دهند.
- با پرداخت رشوه، رانت های انحصاری در اختیار سرمایه گذاران بخش خصوصی قرار می گیرد.
- دولتها در اکثر موارد مزایای مالی کلانی از طریق قراردادهای تدارکات، خصوصی سازی و واگذاری امتیازها به شرکتهای بخش خصوصی ارائه می دهند.
- رشوه برای خرید رأی یا نفوذ سیاسی:
- سیاستمداران ممکن است هم رشوه پرداخت کنند و هم دریافت کننده رشوه و دیگر کمکهای غیر قانونی باشند.
- رشوه قانون را تحت الشعاع قرار می دهد:
- قوه قضائیه این اختیار را دارد که هزینه ها و الزام به انتقال منابع را بر طرفین دعوا تحمیل کند.

پرداخت رشوه برای ایجاد انگیزه در کارکنان:

باید اذغان داشت که پرداخت رشوه در پاره ای موارد موجب انگیزه بیشتر در بخش دولتی می شود و ابزاری است که در واقع جایگزین اصلاحات قانونی شده است. اما باید توجه داشت که استمرار و پذیرش فساد مالی بدون شک اهداف و اصلاحات دراز مدت را با مشکل مواجه می کند و در نتیجه دولت مشروع و قانونمندی که مورد پذیرش شهروندان باشد، تشکیل نمی شود. برای همه پرداخت های غیر قانونی باید ساختار قانونی ایجاد کرد.

اما نکته مهم باز هم این است که همه طرح های پرداخت ، انگیزش کارایی نظام اداری را بهبود نمی بخشد.

پرداخت رشوه برای کاهش هزینه ها:

معمولاً بیشترین فساد مالی مربوط به کارکنان گمرک است . زیرا آنها به مواردی دسترسی دارند که برای شرکتهای ذینفع ارزشمند است. یکی از آنها دنیای خارج است. مدیران شرکت ها با پرداخت رشوه، تعرفه ها و عوارض صادراتی را کاهش می دهند.

پرداخت رشوه برای خرید رأی یا نفوذ سیاسی:

پرداخت های غیر قانونی تقریباً ابزار مناسبی برای تأمین مخارج احزاب سیاسی و مبارزه های انتخاباتی است. در پاره ای موارد هزینه های فعالیتهای عمومی انتخاباتی از محل رشوه ها تأمین می شود. حتی در برخی کشورها سیاستمداران با توسل به رشوه به صورت علنی هر چند غیر قانونی رأی مردم را می خرند. راهکارهای زیادی برای انجام اصلاحات می توان در نظر گرفت که یکی از آنها مشخص کردن محل تأمین اعتبارات انتخاباتی و اعمال نظارت دقیق بر کمک های مالی بخش خصوصی است. اعتبارات و کمک های مردمی نیز باید به میزان کافی در اختیار نامزدها قرار گیرد تا آنها به سمت بودجه های غیر قانونی گرایش پیدا نکنند.

پرداخت رشوه برای خرید قضات:

در مواردی که حقوق کافی پرداخت نشود، فشار کافی بیش از حد معمول باشد یا امکانات و وسایل مورد نیاز زندگی فراهم نباشد، گرایش و انگیزه بیشتری برای دریافت رشوه در آنها ایجاد می کند.

در صورتی که قوه قضائیه در کشوری فاسد باشد امور اقتصادی آن کشور نیز دچار ناامنی می شود، قوانین ارزش و معنایی ندارند و شاکیان و مدعیان تا زمانی که مطوئن نشوند با توسل به رشوه محکمه به نفع آنها رأی خواهد داد، دعاوی خود را در محاکم مرح نمی کنند. ساختار فاسد قوه قضائیه را نمی توان صرفاً با تغییر کارکنان اصلاح کرد. اولین قدم برای اصلاح بنیادین نظام قضایی، اصلاح و ارتقای پرداخت ها و شرایط کار قضات و کارکنان است. در حاشیه این اصلاحات نظارت منظم و قانونمند بر عملکرد مجموعه از درون و برون نظام ضروری است.

از راههای اصلاح عملکرد قوه قضائیه، تدوین قوانین محکم و روشن است. قضات همواره قدرت سوء استفاده از اختیارات خود را دارند ولی روشنی و شفافیت قوانین موجب کاهش تعداد دعاوی بیهوده و جلوگیری از داوری سلیقه ای و غیر حقوقی در محاکم می شود.

فقر: اقشار فقیر و کم درآمد از کمترین مزایای رفاه اجتماعی بهره می برند. سرمایه گذاری در بخش های زیربنایی با طرح هایی که به نفع اقشار کم درآمد است، مغایرت پیدا می کند. قشر ضعیف جامعه مالیات و عوارض بیشتری پرداخت و از خدمات کمتری استفاده می کند. اقشار ضعیف نمی توانند محصولات کشاورزی خود را به بازار عرضه کنند. فقر اقشار ضعیف را به فساد مالی آلوده می کند.

۱- امکانات و منابع مالی در اختیار مقام های ذیربط.

۲- مجموعه قوانین و مقررات تعیین کننده حدود فساد، رشوه خواری و تضاد منافع، یا ناظر بر هزینه های انتخاباتی و مانند اینها.

۳- اعتبار و کارایی قوانین در مبارزه با رشوه دهندگان و رشوه گیرندگان.

۴- وضعیت نظام اداری و کارکنان.

۵- میزان کنترل در مجموعه دولت.

۶- شناخت مردم از فعالیتها و اعمال دولت و اختیارات قانونی.

۷- حدود آزادی مطبوعات و مردم برای تأسیس سازمانهای غیر دولتی.

۸- میزان فعالیتهای سیاسی مردم.

کاهش انگیزه های فساد مالی:

موثرترین شیوه اصلاحات آن است که کمترین فرصت و شرایط را برای سوء استفاده کارکنان دولت فراهم آورد. برای مبارزه با فساد مالی راهکارهای فراوانی وجود دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

الف- حذف قوانین و طرح های ناسالم.

ب- افزایش رقابت.

ج- شفاف کردن قوانین و مقررات.

د- اصلاح نظام اداری.

سازمان های جهانی معمولاً در چهار زمینه گسترده فعالیت دارند:

۱- اعطای وام و کمک و اطمینان از حصول بهترین نتایج.

۲- در برخی موارد، به صورت مستقیم از تلاش ها و اقدام های مبارزه با فساد مالی حمایت می کنند.

۳- سازمانهای بین المللی تلاش می کنند تا از پرداخت رشوه از سوی شرکت های چند ملیتی جلوگیری کنند.

۴- سازمانهای جهانی با طرح هایی که اجرا می کنند، از گردش مبالغ غیر قانونی و در نتیجه بروز فساد مالی جلوگیری می کنند.

مبارزه با فساد مالی مساله ای یک بعدی نیست:

راههای مقابله با فساد مالی ابعاد زیادی دارد. برای مثال بکارگیری قوانین جزایی که صرفاً افراد فاسد و به اصطلاح کله گنده ها را تحت تعقیب قرار می دهد و مجازات می کند

کافی نیست. گاهی دولت بنا به مصلحت، تصمیم می‌گیرد که جهت کسب اعتبار، مقام های فاسد عالی رتبه و شناخته شده را مجازات کند ولی هدف از این کار جلب توجه و حمایت مردمی و نه رفع معضل فساد مالی است.

برای انجام اصلاحات ساختاری و اداری باید قوانین معتبر و محکمی تنظیم کرد تا بتوان با هر گونه فساد مالی و پرداخت های غیر قانونی مبارزه و در مجموع عاملان را مجازات کرد. در صورتی که برخی پرداخت ها به مقام های دولتی به صورت پاداش جنبه قانونی پیدا کند، ضروری است که موارد با درج در گزارش های مربوط، قانونی و بلا مانع اعلام شود.

یکی از مواردی که توجه فرهنگی پرداخت ها را میسر می‌کند، پذیرش پیشنهاد های مربوط به اشاعه و انعکاس پرداخت ها و پاداش هاست. با توجه به اینکه پرداخت پاداش ها به مقام های بلند پایه موجب کارایی و فعالیت بیشتر آنها می‌شود، می‌توان پرداخت ها و پاداش های غیر قانونی را با برنامه ای انگیزشی به موارد قانونی تبدیل کرد. به ندرت میتوان با مواردی برخورد کرد که فساد مالی کارایی افراد را افزایش یا کیفیت خدمات دولتی را ارتقاء داده باشد.

کشورهایی که مبارزه با فساد مالی مصمم و جدی هستند، نیازمند ارزشیابی و بررسی های دقیق شرایط موجود خود هستند. اولین قدم برای نیل به این هدف، شناسایی و پیدا کردن نقطه ای است که فساد مالی بیشترین خسارت و عوارض را به بار آورده است. موارد زیر احتمال های رایج در این باره اند:

- ممکن است که درآمدهای مالیاتی و حقوقی و عوارض گمرکی بسیار کمتر از میزانی باشد که خدمات اساسی دولت را پوشش دهد یا الگوی پاداش ها نا عادلانه باشد. برای رفع این معضل باید قوانین و مقررات مالیاتی را تعدیل کرد تا بتوان آزادی بی رویه مقام های اداری را محدود ساخت.

- تدوین مقررات بازرگانی امری بسیار پیچیده ، وقت گیر و مشکل ساز است. به نحوی که توسعه و گسترش بخش خصوصی سالم و پویا را تحت الشعاع قرار می دهد. از این رو قوانین مالیاتی و نظارتی را باید به طور دقیق بررسی و قوانین اضافی را حذف یا تعدیل کرد و یا قوانین لازم الاجرا را دقیق تر به کار بست.

- از دیگر مواردی که زیان و خسارت های زیادی را در بر دارد ، مالکیت و نظارت دولتی در طرح های عظیم زیربنایی است. عوارض و زیان های فساد مالی نه تنها رشوه خواری بلکه عدم کارایی است که مسئولان دولتی ایجاد کرده اند. در صورتی که شواهد و دلایل مستند و مستقیم برای اثبات فساد مالی وجود نداشته باشد، عدم تناسب و توازن در اجرای پروژه های مربوط برای لغو یا تعطیل طرح ها کفایت می کنند.

- در بسیاری از کشورهای رو به توسعه و انتقالی، فقدان نهادها و سازمانهای معتبری که به شکایتها و اعتراض های مردمی رسیدگی کنند یا مجری ولقی قانون باشند به شدت احساس می شود. از این رو اصلاحات را باید به گونه ای به عمل آورد که سازمانها و نهادهای کنونی را توسعه و بهبود بخشد یا مجموعه های جدیدی نظیر بازرسان مستقل یا کمیسیونهای مبارزه با فساد مالی تشکیل یابد.

- شرط اساسی تغییرات بنیادی ، وجود تعهد پذیری از رده های بالا به پایین و انگیزه لازم است. همزمان فعالیتهای ضد فساد مالی باید شروع شود. حتی در صورتی که ساختار قانونی کشور به گونه ای است که نمی توان در آن تحول ایجاد کرد، اصلاحات مهم و اساسی را باید در ساختار دولتی به عمل آورد.

- سازمان ها و نهادهای بین المللی باید این مساله را دقیق تر عنوان کنند که فساد مالی غیر قابل قبول است و طرح هایی را که احتمال فساد در آنها وجود دارد، ملغی یا اگر در مواردی احساس می کنند که حقوق افراد پایمال شده یا رشوه خواری و عدم کفایت حاکم است، قضا یا را تمام شده تلقی کنند و از پروژها حمایت نکنند.

-سازمانهای بین المللی باید به صورت فعال برای مبارزه با فساد مالی در سطح جهانی تلاش کنند. اقدام های آنها باید احتمال رشوه خواری را در تجارت جهانی محدود کند.

-پرداخت وام و کمک های مالی برای اجرای طرح ها باید زمینه ای مطلوب و مناسب برای رشد و توسعه عادلانه و کاهش فقر ایجاد . سازمان ملل و بانک جهانی هر دو در زمینه اصلاحات دولتی تجربه کافی دارند ولی آنچه مشخص نیست نتایج حاصل است . مسئولان سازمانهای بین المللی باید پروژه ها را به گونه ای طراحی کنند که مقام های دولتی با همکاری آنها در رفع بدترین مشکلات تلاش و راهکار ارائه کنند.

راهبردهای مبارزه با فساد مالی فرا ملی:

راههای درمان فساد مالی فرا ملی از جهتی بسیار شبیه فساد مالی داخلی است. اجرای صحیح صادقانه قانون به طور کامل ، نظارت سیاسی و دقیق بر سیستم اداری، استقلال نهادهای قضایی و اداری و دوری آنها از سوء استفاده های سیاسی، پاسخگویی آنها در برابر جامعه ، شفافیت قراردادهای تجارت دولت، آموزش کافی و حقوق و دستمزد مناسب برای کارمندان دولت ، مشارکت فعال شهروندان و ایجاد خواست سیاسی و هدایت مبارزه با فساد در مقام های رده بالای کشور از موارد ضروری در مسیر این حرکت است.

فساد مالی فرا ملی موضوعی بسیار نگران کننده و توجه ویژه ای را می طلبد. زیرا احتمال ارتباط آن با فساد داخلی ممکن است به تشدید هر دو یا جلوگیری از انجام اصلاحات بینجامد. فساد مالی فراملی از نظر عوامل به وجود آورنده و پیامدهای منفی آن با انواع فساد داخلی مشترک است. کشورهایی که با مشکلات جدی فساد داخلی رو به رو هستند، احتمالاً در معرض اشکال مختلف فساد فراملی هم قرار خواهند گرفت. لذا راهبردهای اصلاح امور باید به صورتی کاملاً منسجم اجرا شود و تلاش برای مبارزه با فساد ، تنها در داخل مرزهای اقتصادی و سیاسی یک کشور، کار بیهوده ای خواهد بود. همچنان که

تلاش برای کنترل فساد فراملی بدون هماهنگی با عملیات داخلی مبارزه با فساد، ثمری نخواهد داشت.

هزینه های کوتاه مدت، مشروعیت سیاسی:

علاوه بر هزینه های مادی، یکی از هزینه های اولیه فساد مالی سست شدن و در مواردی سلب کامل اعتماد سیاسی است. ممکن است شهروندان به این نتیجه حق برسند که برخورد دولت از کانال های اداری و سیاسی رسمی بی فایده است یا حتی اگر چنین کانال هایی هنوز کارآمد باشد، دیگران آنها را از طریق رشوه و توسل به آشنایان تصاحب خواهند کرد.

توزیع ناعادلانه هزینه ها و منافع فساد مالی یک معضل آشکار به ویژه از لحاظ مادی است. اما یک مسأله سیاسی جدی نیز محسوب می شود. چرا که ممکن است ذهن اکثر افراد جامعه را طوری شکل دهد که آنها فکر کنند حکومت خود مسبب فساد مالی است، عزل و نصب های فردی فریبنده است و تنها امید تغییر، نابودی سیستم است.

هزینه های دراز مدت، توسعه سیاسی:

اگر فساد مالی سیاست را تبدیل به رقابت منافع شخصی و جناح ها کند، چه کسی به منافع عمومی توجه جدی خواهد کرد و چه کسی قادر خواهد بود که توافقی های مهمی را با موفقیت ایجاد کند؟ اگر شهروندان ایمان نداشته باشند که انتخاب های سیاسی واقعی دارند، چرا به فرآیند سیاسی رسمی معتقد باشند یا در آن شرکت کنند و کدام یک از رهبران قادر خواهند بود که ادعای حمایت سیاسی مشروع و همه جانبه کنند، بدون آنکه مجبور شوند که آن را از طریق حمله به خزانه دولت و فهرست حقوق بگیران به دست آورند؟

تفویض سیاسی واقعی به مقام های دولتی روحیه بالایی می دهد و یک حس دستیابی به دستاوردهای همگانی و واقعی را به وجود می آورد. شهروندانی که معتقدند می توانند نسبت به سهم خود به طور مؤثری جامعه را نظم ببخشند و کسانی که در حقوقشان احساس امنیت می کنند، در برابر انواع فساد مالی مانند تقاضا های جزئی رشوه و اخاذی های چشمگیرتر یا پور سانت هایی که توسط مقام های دولتی تقاضا می شود مقاوم تر هستند.

تقویت اراده سیاسی:

۱- موازنه مردم سالارانه: توازن قوا میان دولت و جامعه و بین بخش های سیاسی و اقتصادی در نظام مردم سالار پویا و پایدار بسیار مهم است.

شناخت ماهیت فساد، در طراحی روش های مناسب برای رسیدن به موفقیت کوتاه مدت در برخی زمینه ها، به رهبران کشور کمک می کند. تشخیص نابرابریهای موجود در جامعه و تلاش برای اصلاح اوضاع، در نهایت باعث تقویت اراده سیاسی خواهد شد.

۲- مراجعه به رأی مردم: رأی مستقل افراد جامعه با اتکا به شناخت ارزش برنامه اصلاحات اقتصادی و دفاع آنها از برنامه اصلاحات و رهبران جریان اصلاح طلب، سازنده اراده سیاسی است.

۳- مطبوعات مستقل: ظهور مطبوعات مستقل و گویای واقعیتهای روز جامعه، نقش رسانه ها را در آشکار کردن موارد فساد و برانگیختن آرای مردم بیش از پیش روشن کرده است.

۴- ارائه تعریفی بهتر برای نظارت: در سیستم معروف به نظارت و موازنه، اراده مسئولان از سوی منابع مستقل قدرت در داخل و خارج از تشکیلات دولت تقویت می شود. برای مثال وجود دستگاه قدرتمند قانون گذاری باعث می شود که مردم بیشتر در جریان سیاست ها و عملکرد بخش های دولتی قرار گیرند.

۵- شفافیت امور مالی دولت: شفافیت نیازمند آن است که فعالیت نهادهای وابسته به دولت کاملاً باز باشد و تصمیم های دولت به اطلاع عموم مردم برسد.

۶- ارتقای سطح امنیت سیاسی: اراده سیاسی توأم با امنیت سیاسی باعث تشویق سیاستمداران می شود.

۷- بخش خصوصی: که می تواند در کنترل استفاده زور گویانه دولت از قدرت نقش مهم ایفا کند. صنایع بخش خصوصی مانند جامعه مدنی می تواند موجبات تقویت اراده سیاسی را فراهم آورد به شرط آنکه فعالیت آن با استقلال کامل و بر اساس منافع خاص خود همراه شود.

۸- ارائه خدمات: سیستمها و روش هایی که کارشناسان بومی برای نظارت مدیران و سیاست گذاران دولتی بر نحوه خدمات دهی بخش های دولتی طراحی می کنند، بهترین نتیجه را خواهد داشت.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

در انجام فعالیتهای بازرسی و نظارتی از جمله مواردی که باید بدان توجه جدی شود، حفظ و حرمت و جایگاه انسانی کارکنان و مدیران می باشد. زیرا نیروی انسانی فعال و کارآمد از جمله سرمایه های گرانبهای نظام بوده که برخورد های نامناسب می تواند موجب فرسایش و پایین آمدن جسارت و خلاقیت آنها شود. و در اجرای بازرسی ها، حتی المقدور سعی شود از امکانات و اموال دستگاههای مورد بازرسی استفاده نگردد و در صورت استفاده، حدود عرفی رعایت شود. به گزارشاتی که از بیرون به سازمان بازرسی منعکس می گردد در پاره ای موارد ممکن است باعث هتک حرمت و تخریب مدیران و کارکنان دستگاهها شود. لذا جا دارد سازمان بازرسی کننده در این گونه موارد توجه جدی تر مبذول نمایند.

منابع و ماخذ:

رهبر، زالپور- بازشناسی عارضه فساد مالی
نظارت کارآمد، مرکز پژوهش و آموزش سازمان بازرسی کل کشور
نهج البلاغه - نامه ها